

## نگاهی به مواضع شیعه درباره توسل و زیارت

حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمد اکبریان\*

### اشاره

بسیاری از پرسش‌ها و شبهاتی که امروزه میان مسلمانان وجود دارد، در زمان صدر اسلام وجود نداشت. در زمان حضور پیامبر ﷺ و سلف صالح آن حضرت، هیچ‌گاه تکفیر و نسبت دادن مسلمانان به کفر نبود و هر فرد با بیان شهادتین و جاری کردن کلمه مقدس لا اله الا الله مسلمان دانسته شده و با او همانند دیگر مسلمانان رفتار می‌شد. پس از رحلت پیامبر ﷺ «خوارج» به عنوان اولین گروه سلفی‌گری و تکفیری، عقاید و رویکرد متفاوتی با دیگر مسلمانان داشت. با ظهور ابن تیمیه در قرن هفتم، بدعت غلط و خطرناک تکفیر در میان مسلمانان ادامه یافت. این تفکر خطرناک و نابودکننده وحدت مسلمانان که از طرف بزرگان اهل سنت نیز باطل اعلام شد، پیروان چندانی نیافت تا اینکه پس از چندین قرن توسط محمد بن عبدالوهاب در عربستان و با حمایت‌های مالی و سیاسی این کشور و برخی کشورهای دیگر، در میان مسلمانان رسوخ یافت و جان بسیاری از مسلمانان را مورد تهدید و

---

\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

خطر قتل و غارت قرار داد.

در نوشتار حاضر برخی شبهات وهابیت متناسب با ایام محرم، انتخاب شده و پاسخ آن از منابع معتبر و به‌ویژه از منابع اهل سنت ارائه شده است؛ زیرا تفکر وهابیت و سلفی‌گری، مدعی تابعیت از سنت پیامبر ﷺ و سلف صالح است. از این رو در پاسخ به آنان بیشتر از منابع اولیه اهل سنت و از نمونه‌ها و موارد صدر اسلام و از عقیده بزرگان فقه چهارگانه اهل سنت بهره گرفته‌ایم.

### نذر و قربانی و مسئله شرک

یکی از ادعاهای بسیار رایج در میان داعش و اندیشه سلفی‌گری افراطی، نسبت دادن تکفیر و ادعای شرک در بسیاری از رفتارها و عقاید مسلمانان، از جمله نذر و قربانی برای اموات یا یکی از بزرگان دینی مانند امام حسین علیه السلام با این ادعاست که این رفتار شبیه کار مشرکان در انجام نذر و قرانی برای بت‌هاست.

این ادعای باطل برخاسته از سطحی‌نگری و ظاهربینی آنهاست که روش و منش اساسی در تمام افکارشان است. این نگاه سطحی سبب شده در تمام چیزهای دیگر نیز مسلمانان را به تکفیر و شرک متهم کنند. اگر عمل مسلمانان در ظاهر و حتی به صورت جزئی شباهتی به رفتار مشرکان داشته باشد، بی‌آنکه به نیت و باطن عمل آن مسلمان نظر کنند، او را به شرک و کفر متهم، و از تفاوت‌های درونی و عمیق رفتار و عقاید مشرکان با مسلمانان به عمد یا سهواً غفلت می‌کنند.

مشرکان نذر و قربانی را با نیت شریک خدا بودن بت‌ها انجام می‌دانند، اما

یک مسلمان نذر و قربانی را تنها برای رضای خدا انجام می‌دهد، اما نیت می‌کند که خیر و پاداش این عمل نیک برای آن میت یا آن امام باشد. از همین رو در کتاب‌های فقهی علمای شیعه، نذر شرعی صحیح دارای صیغه‌ای با این عبارت است: «لِلَّهِ عَلَيَّ هَكَذَا: ۱ برای خدا بر من است که فلان کار را انجام دهم»؛ در غیر این صورت نذر صحیح منعقد نمی‌شود. نذر برای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام یا روضه حضرت، عبارتی مجازی است که معنای حقیقی آن با توجه به صیغه شرعی مذکور این است که اگر کار و مشکل من برآورده شود، برای خدا عملی را انجام می‌دهم تا ثوابش برای فلان شخص باشد؛ خواه این عمل قربانی کردن باشد، یا هر عمل دیگر.

همانند این عمل در میان اهل سنت و به فتوای بزرگان آنان نیز وجود دارد. داود افندی نقشبندی می‌گوید: «مسئله نذر، دائر مدار نیت و انگیزه نذرکنندگان است. چنانچه قصد نذرکننده، خود میت و تقرب به او باشد، قطعاً چنین نذری جایز نیست؛ اما اگر قصد او خداوند متعال باشد، ولی نفع آن به انسان‌ها برسد و ثوابش به میت مورد نظر هدیه شود، نه تنها جایز بلکه وفا به این نذر واجب است». ۲ عزامی شافعی نیز معتقد است: «اجماع اهل سنت بر این مطلب است که صدقه زندگان بر مردگان سود داشته و به ایشان می‌رسد و روایات در این زمینه بسیار مشهور هستند». ۳

از جمله روایات، این روایت در سنن ابی داود است:

شخصی نزد رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و درباره قربانی‌ای که می‌خواست در بوانه (روستایی بعد از ینبع نزدیک ساحل دریا) انجام

۱. محمد بن حسن طوسی؛ *المبسوط من فقه الامامیه*؛ ج ۶، ص ۲۴۶.

۲. داود بن سلیمان افندی نقشبندی؛ *صلح الأخوان*؛ ص ۱۰۲.

۳. سلامه قضاعی عزامی شافعی؛ *فرقان القرآن*؛ ص ۱۳۳.

دهد، سؤال کرد. حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید: «آیا در آنجا بتی از بت‌های جاهلیت وجود دارد؟». گفت: «خیر». حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دوباره پرسید: «آنجا محل مراسم خاصی از رسوم جاهلیت بوده است؟». گفت: «نه». حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «به نذرت وفا نما؛ پس به درستی که در راه سرپیچی خدا نباید نذر کرد و نه در چیزی که انسان نمی‌تواند آن را انجام دهد».<sup>۱</sup>

نذر برای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به شیعیان اختصاص ندارد؛ بلکه در برخی مناطق اهل سنت نیز انجام می‌شود. مولوی عبدالرحیم رئیسی، از روحانیون اهل سنت سیستان و بلوچستان، اهل سنت پاکستان را مثال می‌زند که در ایام عاشورا، گوسفند یا غذا و چیزهای دیگر نذر می‌کنند و به همسایگان و دیگران می‌دهند.<sup>۲</sup>

از نظر شرعی، نذر صحیح برای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام یا هر امام دیگری، این است که انسان نذر خود را برای خدا به‌جا می‌آورد تا ثواب و هدیه‌ای برای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام باشد و گوشت قربانی را میان عزاداران و گرسنگان تقسیم می‌کند یا با آن به دیگران اطعام می‌دهد. بنابراین نذر و قربانی برای ثواب مردگان، صحیح و شرعی است و باید به قصد تقرب به خدا انجام گیرد و نذر کردن برای فردی که از دنیا رفته است، به معنای تقرب به آن میت نیست و اگر به این معنا یا با این قصد انجام شود، باطل است.

### توسل به امام و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و «یا حسین مدد» و «لیبک یا حسین»

«لیبک» در لغت، به معنای پاسخ مثبت دادن، موافقت و پذیرش دعوت یا

۱. ابی‌داود سلیمان بن اشعث سجستانی؛ سنن ابی‌داود؛ ج ۳، ص ۱۴۳۸.

۲. پایگاه اطلاع رسانی عقیق؛ «آداب و سنن محرم نزد اهل سنت»؛ ۱/۰۴/۱۳۹۴.

قبول آن است.<sup>۱</sup> لیبیک گفتن در ایام حج نیز به معنای اجابت دعوت الهی است. لیبیک گفتن به کسی که انسان را به کاری دعوت می‌کند، به معنای این نیست که او را شریک خدا قرار داده است؛ چنانکه انسان در زندگی روزمره دعوت‌های زیادی را اجابت می‌کند. اگر دعوت به خیر باشد، در صورت اجابت، انسانی نیکوکار است و اگر دعوت به شر و بدی را اجابت کند، انسان بدکار خواهد بود. هیچ‌کدام از این اجابت‌ها به معنای شرک نیست؛ زیرا به هنگام اجابت و لیبیک گفتن، دعوت‌کننده را در مقام خدایی قرار نداده است؛ چنانکه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره پیمان حلف‌الفضول می‌فرماید: «در جوانی در پیمانی شرکت کردم که اگر اکنون نیز به آن پیمان خوانده شوم، اجابت خواهم کرد».<sup>۲</sup> خداوند نیز فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»<sup>۳</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون خدا و پیامبرش شما را به چیزی فرا خوانند که زندگی‌تان می‌بخشد، دعوت‌شان را اجابت کنید». همچنین فرموده است: «يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ...»<sup>۴</sup> ای قوم ما! دعوت‌کننده [به سوی، یا از طرف] خدا را پاسخ دهید و به او ایمان آورید...».

لیبیک به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام نیز پاسخ دادن به ندای امام برای یاری دین خدا، مبارزه با ظلم، احیای دین خدا و سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، نه به معنای اینکه او را در کنار خدا یا شریک خدا قرار دهیم. مدد خواستن و توسل به امام

۱. فؤاد افرام بستانی؛ فرهنگ /بجادی؛ ذیل کلمه «لیبیک».

۲. محمد باقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۸۳، ص ۲۵۶.

۳. انفال: ۲۴.

۴. احقاف: ۳۱.

حسین علیه السلام یا پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان دیگر نیز به معنای واسطه قرار دادن آنها برای دریافت فیض و رحمت الهی است و شرک نیست.

اگر کسی معتقد باشد که تنها پول و ثروت، توانایی حل مشکل او را دارد یا اگر بر این اعتقاد باشد که شفای بیماری او تنها به دست فلان پزشک یا فلان داروست و معتقد به شفا دهندگی خداوند نباشد، دچار شرک شده است. همچنین درباره اولیای الهی اگر کسی قدرت آنان را مستقل از قدرت خداوند یا آنها را کمک‌رسان و یاری‌دهنده به خدا بداند، دچار شرک شده است. شیعیان چنین اعتقادی نسبت به امامان خود ندارند؛ بلکه قدرت و یاری آنان را در سایه مشیت الهی و به اذن می‌دانند و معتقدند که خداوند به آنان عطا فرموده است؛ همان‌گونه که به پیامبران الهی مانند حضرت موسی و عیسی علیه السلام عنایت نموده است. حضرت عیسی علیه السلام به اذن الهی، بیماران را شفا و مرده را زنده می‌کرد.<sup>۱</sup> مردم نیز پیش او آمده و این کارها را از او طلب می‌کردند. آن حضرت هرگز مردم را به اتهام اینکه عقیده آنان شرک‌آلود است، از خود دور نمی‌کرد؛ بلکه خواسته آنان را اجابت می‌کرد. این‌گونه حاجت خواستن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز صورت می‌گرفت؛ مانند طلب استغفار به واسطه پیامبر صلی الله علیه و آله که در آیات قرآن نیز بیان شده است.<sup>۲</sup>

از نظر وهابیان درخواست و توسل به حضرت عیسی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات‌شان اشکال نداشته است، اما اکنون که در قید حیات نیستند و

۱. مانند: ۱۱۰: «وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي».

۲. نساء: ۶۴: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا».

صدای ما را نمی‌شنوند، پس درخواست از آنان شرک است؛ همان‌گونه که خداوند درخواست از بت‌ها و آنهایی که صدای ما را نمی‌شنوند و پاسخی نمی‌دهند، شرک دانسته است.<sup>۱</sup> در پاسخ باید گفت:

۱. جدا کردن مردگان و زندگان و تجویز توسل در یکی و جایز ندانستن در دیگری، عقیده‌ای شرک‌آلود است؛ زیرا در این حالت زندگان را شریک خدا قرار می‌دهد و مردگان را دارای این قابلیت نمی‌داند. در واقع وهابیت با جدا کردن زندگان و مردگان، اعتقاد شرک‌آلود را در مورد زندگان تجویز کرده و در مورد مردگان جایز ندانسته است و در حالی دیگران را به شرک متهم می‌کند که خود گرفتار عقیده شرک‌آلود است.

۲. اعتقاد به توسل و درخواست کمک از آنان، زمانی شرک‌آلود می‌شود که شریک خدا قرار داده شوند؛ همان‌گونه که بت‌پرستان با این اعتقاد از بت‌های خود درخواست می‌کردند. اعتقاد به یاری‌رسانی آنان به اذن خدا، شرک نیست. اعتقاد به اینکه آنها مرده‌اند و صداها را نمی‌شنوند و نمی‌توانند ما را یاری دهند، تنها نتیجه‌اش لغو و بیهوده بودن کار است، نه اینکه شرک باشد؛ زیرا با عقیده مشرکانه (شریک خدا بودن آنان) همراه نیست.

۳. بر اساس آیات و روایات، پیامبران و اولیای الهی و شهیدان زنده‌اند و از حیات حقیقی برخوردارند. آنچه که مرده و در قرآن بیان شده است،<sup>۲</sup> تنها جسم آنان است. همه انسان‌ها پس از مرگ، از زندگی و حیات برخوردارند و صدای ما را به اذن الهی می‌شنوند؛ همان‌گونه که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جنگ بدر، مردگان مشرک را خطاب قرار داده و با آنان سخن گفت و در پاسخ اصحاب

۱. یونس: ۱۸: «وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْصُرُهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هُوَ اللَّهُ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ».

۲. زمر: ۳۰: «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ: قطعاً تو خواهی مرد و آنان [نیز] خواهند مرد».

خود که گفتند: مگر آنها صدای تو را می شنوند، فرمود: «آنان امروز از شما شنواتر هستند»<sup>۱</sup>.

بنابراین مردگان و از جمله پیامبر ﷺ و اولیای الهی از جهان و حیات مادی جدا شده‌اند، اما از حیات و زندگی جاودان و حقیقی برخوردارند. توسل به پیامبر ﷺ و مدد خواستن از امام حسین علیهما السلام با این اعتقاد است که آنان زنده حقیقی‌اند و به اذن و قدرت که خداوند به آنها داده، واسطه فیض و رحمت الهی هستند. آنان بنده خدا هستند و هیچ قدرتی بدون قدرت خدا ندارند. توسل به آنان به فرمان الهی که می‌فرماید: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»<sup>۲</sup> به سوی او وسیله بجوید» و آنان وسیله‌ای برای دست‌یابی به فیض و واسطه‌ای برای دریافت رحمت الهی هستند.

توسل به امام علیهما السلام یا پیامبر ﷺ تنها در میان شیعیان نیست؛ بلکه در میان اهل سنت نیز وجود دارد و اغلب عالمان اهل سنت آن را جایز می‌دانند؛ زیرا هم روایاتی در منابع اهل سنت برای جواز توسل و هم در سیره سلف صالح وجود دارد. سمهودی از عالمان اهل سنت قرن نهم هجری با نقل توسل صحابه به پیامبر ﷺ، حتی بعد از وفات آن حضرت و نیز با نقل داستان توبه آدم علیهما السلام و توسل او به پیامبر ﷺ قبل از خلقت آن حضرت می‌گوید:

توسل و استغاثه و تشفع به پیامبر ﷺ در بارگاه خداوند حکیم جایز، بلکه نیکوست. هر دینداری جواز آن را مسلم می‌داند و سیره انبیای سلف، بندگان صالح و علمای اسلام آشکارا بر آن دلالت دارد. تا قرن

۱. مسلم بن حجاج نیشابوری؛ صحیح مسلم؛ ج ۴، ص ۲۲۰۳؛ احمد بن محمد حنبل؛ مسند

الامام احمد بن حنبل؛ ج ۱۹، ص ۷۷.

۲. مائده: ۳۵.



هفتم هیچ دینداری جواز توسل را منکر نشده است، حداقل ما به آن بر نخورده‌ایم.<sup>۱</sup>

ابن کثیر نیز گفته است: ابن تیمیه در مجلس مناظره‌ای که در مصر تشکیل شد، وقتی در جواب دادن به اشکالات بر عقیده خود در مانده شد، گفت: «استغاثه و فریادخواهی فقط به خداوند جایز است و استغاثه به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صحیح نیست، ولی می‌شود به پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ متوسل شد و از حضرت طلب شفاعت نمود».<sup>۲</sup>

### زیارت قبور

وهابیت و پیروان ابن تیمیه، زیارت قبور را جایز ندانسته و آن را شرک دانسته‌اند. ابن تیمیه می‌گوید: «هر کس قبر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و غیر ایشان (از اولیا و صالحان) را زیارت کند، به خداوند شرک ورزیده و به غیر خدا روی آورده است؛ پس این عمل حرام و شرک به خداوند است».<sup>۳</sup> دلیل او برای این عقیده، برخی از روایات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که در آنها از زیارت قبور منع کرده است؛ در حالی که این روایات با روایات دیگری از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که تعداد بسیاری از آنها در منابع اهل سنت آمده، نسخ شده است. در کتب اصول فقه اهل سنت، یکی از مثال‌های رایج برای نسخ روایت توسط روایت دیگر، همین احادیث زیارت قبور است. از جمله ابی‌ملیکه می‌گوید: «روزی عایشه از قبرستان می‌آمد. به او گفتم: ای ام‌المؤمنین از کجا می‌آیی؟ گفت: از کنار قبر برادرم، عبدالرحمن. به او گفتم: آیا رسول‌خدا از زیارت قبور، نهی

۱. علی بن احمد سمهودی؛ وفاء الوفاء؛ ج ۳-۴، ص ۱۳۷۱.

۲. ابن کثیر؛ البدایه و النهایه؛ ج ۱۴، ص ۴۵.

۳. ابن تیمه حرانی؛ الرد علی الأحنایی؛ ص ۶۰.

نفرموده است؟ گفت: آری، پیامبر از زیارت قبور نهی نموده، ولی سپس به آن امر فرمود». <sup>۱</sup> در روایتی مشهور از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است که فرمود: «إِنِّي كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَرُزُّوْهَا فَإِنَّهَا تُدَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ». <sup>۲</sup> در گذشته شما را از زیارت قبور نهی می‌کردم، ولی اکنون آن را زیارت کنید؛ زیرا آخرت را به یاد شما می‌آورد». ترمذی بعد از نقل این حدیث از بریده، می‌گوید: «حدیث بریده، صحیح است و اهل علم به آن عمل می‌کنند و برای زیارت قبور مانعی نمی‌بینند. این است نظر گروهی، مانند ابن‌المبارک و شافعی و احمد و اسحاق».<sup>۳</sup>

بر اساس همین روایات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زیارت قبور نزد تمام مذاهب اسلامی (شافعی، حنبلی، حنفی، مالکی، جعفری) نه تنها شرک نیست؛ بلکه مستحب و حتی در مواردی آن را واجب دانسته‌اند. صالحی شامی از علمای شافعی و متوفای ۹۴۲ ق می‌گوید:

سفر برای زیارت قبر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشروع و جایز است. به خاطر جواز این موضوع، علمای بزرگی مانند شیخ تقی‌الدین سبکی، شیخ جمال‌الدین زملکانی، شیخ داوود ابوسلیمان مالکی و دیگران از علما، در مورد آن کتاب نوشته و در آن کتب، نظریات ابن تیمیه که معاصر آنها بوده را رد کرده‌اند؛ زیرا او در این مورد نظری زشتی داده است که آب دریاها آن را پاک نمی‌کند.<sup>۴</sup>

۱. ابو عبدالله حاکم نیشابوری؛ المستدرک علی الصحیحین؛ ج ۱، ص ۵۳۲.

۲ همان، ص ۵۳۱؛ احمد بن محمد حنبلی؛ مسند الامام احمد بن حنبلی؛ ج ۲، ص ۳۹۸؛ ابن‌ماجه؛ سنن ابن‌ماجه؛ ج ۳، ص ۹۵

۳. ابو عیسی ترمذی؛ سنن ترمذی؛ ج ۳، ص ۳۶۱ ح ۱۰۵۴.

۴. محمد بن یوسف صالحی شامی؛ سبل الیهادی و الرشاد؛ ج ۱۲، ص ۳۸۴.

شربلانی که نظرات امام ابوحنیفه را جمع‌آوری کرده، می‌گوید:

زیارت قبور هم برای مردان و هم برای زنان جایز است. بعضی گفته‌اند زیارت برای زنان حرام است، ولی اصح این است که رخصت زیارت قبور هم برای مردان و هم برای زنان جایز است؛ پس برای زنان هم مستحب است.<sup>۱</sup>

زیارت قبر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز بسیار تأکید شده است. در کتاب *الفقه علی المذاهب الأربعة* که مورد تأیید فقهای چهارگانه اهل سنت است، آمده است: «زیارت قبر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از بزرگ‌ترین قربات و دارای شأن بسیار بزرگ است».<sup>۲</sup> شیخ علاء‌الدین حصکفی، مفتی حنفی دمشق می‌گوید: «بعد از اتمام اعمال حج، زیارت قبر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مستحب است و بعضی از علما گفته‌اند برای کسی که استطاعت دارد، واجب است».<sup>۳</sup> قاضی ابوالفضل عیاض نیز در کتاب *شفاء گفته* است: «زیارت قبر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سنت مسلمانان است که بر آن اجماع شده است».<sup>۴</sup> همچنین از امام غزالی نقل است که می‌گوید: «در فضیلت داشتن زیارت قبور، تفاوتی میان انبیا و اولیا و علما وجود ندارد؛ اگر چه به جهت تفاوت درجات آنان، درجات زیارت آنها نیز تفاوت خواهد داشت».<sup>۵</sup>

افزون بر روایات بسیار که بر جواز و استحباب زیارت قبور تأکید دارند، برخی آیات قرآن نیز بر مشروعیت زیارت قبور دلالت دارند:

۱. حسن بن عمار شربلانی حنفی؛ *مراقی الفلاح بامداد الفتح*؛ ج ۱، ص ۲۲۴.

۲. عبدالرحمن بن محمد جزیری؛ *الفقه علی المذاهب الأربعة*؛ ج ۲، ص ۶۳۸.

۳. محمد بن علی حصکفی حنفی؛ *الدر المختار شرح تنویر الأبصار*؛ ج ۱، ص ۱۷۵-۱۷۶.

۴. ابو عبدالله محمد بن محمد مالکی؛ *المدخل*؛ ج ۱، ص ۲۶۰.

۵. همان، ص ۲۵۶.

«لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ

لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»<sup>۱</sup> اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند، پیش

تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب

آمرزش می کرد، قطعاً خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند.»

در تأیید این آیه که زمان حیات و ممات پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تفاوتی در دیدار با آن

حضرت نمی کند، روایتی از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که فرموده است: «هر کس حج

گزارد و قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند، مانند کسی است که در حیاتم مرا

زیارت نموده است.»<sup>۲</sup> همچنین حضرت فرموده است: «هر کس قبر مرا

زیارت کند، شفاعتش بر من لازم می گردد.»<sup>۳</sup>

## نماز و دعا در کنار قبر

از بهانه های دیگر برای تکفیر مسلمانان، مسئله نماز و دعا در کنار قبور

مردگان و اولیای الهی است؛ در حالی که نماز و دعا در هر مکانی جایز

است، مگر اینکه از طرف شرع مقدس اسلام نهی شده باشد. درباره نماز و

دعا در کنار قبور نه تنها نهی شرعی نرسیده است؛ بلکه این عمل مطابق

کتاب و سنت است. خداوند به حاجیان فرمان داده است: «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ

إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّيًّا»<sup>۴</sup> مقام ابراهیم را محل نماز خود برگزینید». بنا بر این آیه

شریفة، جایگاهی که حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام در آنجا به عبادت خدا پرداخته و

۱. نساء: ۶۴.

۲. سلیمان بن احمد طبرانی؛ المعجم الکبیر؛ ج ۱۲، ص ۴۰۶؛ ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی؛

سنن دارقطنی؛ ج ۳، ص ۳۳۳.

۳. ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی؛ سنن دارقطنی؛ ج ۳، ص ۳۳۴.

۴. بقره: ۱۲۵.

بدن او آنجا را لمس کرده است، جایگاه مقدسی است که می‌توان برای عبادت خدا انتخاب کرد. در منابع اهل سنت نیز خواندن نماز حجر اسماعیل مورد تأکید است،<sup>۱</sup> در حالی که در حجر اسماعیل، قبور انبیای الهی و قبر مادر حضرت اسماعیل علیه السلام نیز در آنجا واقع شده است.

قرآن درباره اصحاب کهف فرموده است:

﴿فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ

لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا﴾<sup>۲</sup> پس گروهی گفتند برایشان بنایی را بر پا کنید.

پروردگارشان بر آنان داناتر است، اما گروهی که بر کار ایشان غالب

شدند، گفتند که ما بر ایشان، مسجدی می‌سازیم».

قرآن کریم پیشنهاد اول را درست ندانست و به همین دلیل فرمود:

«پروردگارشان بر آنها آگاه‌تر است»، اما چون پیشنهاد ساختن مسجد بر قبور

اصحاب کهف از سوی مؤمنان بوده است، خداوند پیشنهاد دوم را بدون رد

کردن بیان کرده است.

در منابع روایی اهل سنت نیز جواز نماز در کنار قبور وارد شده است. در

روایتی از کتاب *المستدرک علی الصحیحین* آمده که فاطمه علیها السلام دختر پیامبر

اسلام صلی الله علیه و آله در هر جمعه به زیارت قبر عمویش حمزه سیدالشهدا می‌رفت و

بر آن مزار پاک نماز می‌خواند و می‌گریست.<sup>۳</sup> در سنن *ابن ماجه* نیز روایات

متعددی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از آن که از مرگ برخی از مسلمین آگاه

۱. احمد بن شعیب نسایی؛ سنن الکبری؛ ج ۳، ص ۲۱۹.

۲. کهف: ۲۱.

۳. ابو عبدالله حاکم نیشابوری؛ *المستدرک علی الصحیحین*؛ ج ۳، ص ۳۰.

می‌شد، بر سر قبر آنها حاضر می‌شد و نماز می‌خواند.<sup>۱</sup> روشن است که نماز پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در کنار قبر آنان، نماز میت نبود؛ زیرا نماز میت قبل از دفن میت خوانده می‌شود و این کار توسط مسلمانان انجام شده و سپس میت دفن می‌شود. همچنین بر اساس نظر برخی از فقهای اهل سنت نیز تکرار نماز بر میت، مکروه است.

دعا در کنار قبور نیز امر مشروع و مطلوب است. سلیمان بن بریده از پدرش نقل کرده است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگامی که به مقابر می‌رفت، این گونه بر اهل قبور سلام می‌داد: «سلام بر شما اهل این دیار از مؤمنان و مسلمانان، و ما ان شاء الله به شما ملحق می‌شویم. شما پیشروان ما بودید و ما به دنبال شما ایم. از خدا برای ما و شما درخواست عافیت می‌کنیم».<sup>۲</sup> در روایت دیگری آمده است که حضرت به اصحاب خود آموخت که وقتی به قبرستان می‌روند، این گونه بگویند: «تَسْأَلُ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ»<sup>۳</sup> از خدا برای خودمان و شما عافیت را طلب می‌کنیم». از عایشه همسر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز نقل شده است که هر شبی که آن حضرت نزد او بود، در آخر شب به قبرستان بقیع می‌رفت و برای اهل قبور دعا می‌کرد.<sup>۴</sup> این کار مستمر و همیشگی آن حضرت بود. بنابراین دعا در کنار قبور دیگران و به طور خاص در کنار قبور اولیای خدا، خواه انسان برای خود دعا کند یا برای اهل قبور، در سنت

۱. ابن ماجه؛ سنن ابن ماجه؛ ج ۳، ص ۶۶ - ۶۹.

۲. احمد بن شعیب نسائی؛ سنن الکبری؛ ج ۲، ص ۴۶۸.

۳. ابن ماجه؛ سنن ابن ماجه؛ ج ۳، ص ۷۹.

۴. مسلم بن حجاج نیشابوری؛ صحیح مسلم؛ ج ۲، ص ۶۶۹؛ احمد بن محمد حنبل؛ مسند

الامام احمد بن حنبل؛ ج ۴۲، ص ۲۹۸.

مستمر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده و آنچه در سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد، مشروع و جایز است.

دعا کنار قبور از جهت یادآوری مرگ و آخرت، ایجاد حالت حزن و انابه در انسان و نیز تأثیر بیشتر دعاها، خاشع‌تر شدن قلب و تقرب انسان به خدا، مطلوب و پسندیده است.

